

بررسی روشهای حل و فصل اختلافات در قراردادهای پیمانکاری با مطالعه تطبیقی در فیدیک علیرضا مشهدی زاده^۱ - علی مهری^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۸

چکیده:

روشهای حل و فصل اختلافات با توجه به رویکرد غیر قضایی آن می‌تواند نسبت به حل سریع و کاهش هزینه‌ها در رسیدگی به اختلافات کمک شایانی نماید. روشهای حل اختلاف به عنوان جایگزین مناسبی در برابر تشریفات انعطاف ناپذیر قضایی در محاکم ملی می‌باشد. ماهیت قراردادهای پیمانکاری ایجاب می‌کند که اختلاف به سرعت و چه بسا در محل اجرای پروژه حل و فصل شوند. این پژوهش به صورت توصیفی، تحلیلی به دنبال پاسخگویی به این ابهام است که آیا فرایند داوری پیش‌بینی شده در شرایط عمومی پیمان به عنوان روشی کارآمد محسوب می‌گردد؟ آیا بکارگیری شیوه‌های نوین هیات حل اختلاف در نمونه قراردادهای فیدیک می‌تواند در حل و فصل سریع اختلافات موثر باشد. نتایج حاصله بیانگر این است که علم کافی هیاتهای حل اختلاف و حضور مستمر از ابتدای پروژه به عنوان شیوه جدید حل اختلاف نتیجه نسبتاً خوبی حاصل گردیده است.

واژگان کلیدی: شیوه‌های حل و فصل اختلافات، هیات بررسی اختلافات، داوری، شرایط عمومی پیمان، فیدیک

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

JPIR-2010-1564

^۱ - استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران: نویسنده مسئول
a.mashhadizadeh@iau-tnb.ac.ir

^۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

در دهه‌های اخیر، حل اختلاف قراردادی به زمینه مطالعاتی مهمی تبدیل گردیده و در قراردادهای پیمانکاری که در آن منابع مالی، فنی و انسانی ارزشمندی مورد نیاز است با توجه به ریسک‌ها و پیچیدگی‌های موجود در پروژه‌های عمرانی و نیز تضاد منافع طرفین دخیل، احتمال ایجاد اختلاف در تمام مراحل پروژه وجود دارد و گاه به مطالبه هزینه، ادعای خسارت و غیره می‌انجامد. صنعت احداث از گذشته با روش‌های متنوع حل و فصل اختلافات و ادعاهای قرار-دادی تجربه کرده است و برخی گزارشات و سوابق نشان دهنده میزان و اهمیت تعیین روش حل اختلاف است. اختلافات حادث شده در پروژه‌های عمرانی یکی از مهمترین دلایل افزایش هزینه‌ها و تاخیر در زمان تحویل و اتمام پروژه بوده که این خود امری متداول در قراردادهای پیمانکاری می‌باشد. همچنین پروژه‌های عمرانی از یک‌سو بدلیل پیچیدگی و از سوی دیگر به دلیل منحصر به فرد بودن هر پروژه و عدم سابقه همکاری بین ارکان اصلی پروژه و بروز اختلافات و تناقض‌هایی در اسناد و مفاد قرارداد طبیعی است در نهایت در همه قراردادهای متحدالشکل پیمانکاری شیوه‌های حل و فصل اختلافات معمولی بوده و به همین علت فصل جداگانه‌ای به این موضوع اختصاص داده می‌شود. (هوگس و دیگران، ۲۰۱۵)^۱ به شکلی که تا دهه ۱۹۴۰ اکثر موضوعات با مذاکرات سریع و غیررسمی بین طرفین و یا با حکم مهندس مشاور حل و فصل می‌گردیدند که این شیوه برای حل اختلافات و تعارضات در سطح حرفه پیمانکاری، کارآمد و موفق بودند.^۲ (الشحرانی، ۲۰۱۷) امروزه با توجه به شرایط رقابتی محیط کسب و کار و محدود بودن حاشیه سود شرکت‌های پیمانکاری الزامات پروژه‌های عمرانی تغییر و پیچیده گردیده است. به جز موارد فنی لازم است الزامات و منافع اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و دولتی نیز رعایت شود.^۳ صنعت احداث در پی بروز مشکلات عدیده و روابط جنجالی در محیط کسب و کار شروع به یافتن راه حل‌های منطقی و معقول نمود و با انتخاب حل و فصل اختلافات از طریق داوری به عنوان محبوب‌ترین روش بین طرفین قرارداد رواج حداکثری پیدا نموده، زیرا نسبت به روش‌های محاکماتی در دادگاه‌های ملی تخصصی‌تر و سریع‌تر بود، لذا این روش‌ها تا اواخر دهه ۱۹۸۰ مورد استفاده قرار گرفت و با این حال داوری هم هنوز هم مزایایی داشته و مورد استفاده بسیاری از سازمان‌ها و مدیران پروژه بعنوان یکی از شیوه‌های حل و فصل اختلافات

^۱-W. Hughes, R.Champion, J. Murdoch

^۲-Alshahrani

^۳-DRBF. DRBF Practices and Procedures

در نظر گرفته می‌شود. (کالم، ۲۰۱۳)^۱ با توجه به هزینه بر و طولانی بودن نسبی فرایند داوری در اختلافات پیمانکاری جنبش توسعه یافته جدیدی با عنوان روش جایگزین حل و فصل اختلافات (ADR)^۲ در قراردادهای پیمانکاری رونق گرفت. روش‌های ADR نماینگر یک شیوه و روش حل متفاوت برای حل و فصل اختلافات و به عنوان جایگزین روش قضایی که گران و وقت گیر در نظر گرفته می‌شود. این روش‌ها با طی کردن سیر تحولی خود و رسیدن به مراحل بلوغ امروزه در نمونه قراردادهای فیدیک کاربرد وسیعی پیدا نموده است. (لی و دیگران، ۲۰۱۶)^۳ شیوه‌های حل و فصل اختلافات در فیدیک متنوع بوده لکن ترتیب و نظم خاصی ندارد و بستگی به توافق طرفین در انتخاب یکی از شیوه‌های حل و فصل اختلافات دارد. هدف اصلی تکنیک-های جایگزین حل و فصل اختلافات در فیدیک، حل و فصل هرگونه درگیری زودتر از موعد به شیوه با تقابل کمتر است. طبق تعریف یکی از نویسندگان، شیوه‌های جایگزین حل اختلاف طیفی از روش‌ها را در برمی‌گیرد که به عنوان جایگزین رسیدگی قضایی جهت حل اختلافات طراحی شده‌اند.^۴ نویسنده دیگری ADR این چنین تعریف نموده است: روش حل اختلافات یا تلاش برای حل اختلافات بدون رجوع به دادگاه‌ها همراه با آیین رسیدگی غیر رسمی. (ردفر و هانتز)^۵ تعبیرهای متفاوتی از این شیوه شده مانند: "عدالت خصوصی"^۶، "عدالت مذاکره‌ای"^۷ "حل و فصل دوستانه اختلافات"^۸ "روش حل و فصل قراردادی"^۹ نماینگر این است که شیوه-های جایگزین حل اختلافات روش‌هایی مستقل و متفاوت از نظام محاکم قضایی است. فرایند حل و فصل اختلافات پیش‌بینی شده در فیدیک برخلاف رسیدگی محاکم قضایی در اکثر اوقات اختلافات بر مبنای مذاکره و به صورت دوستانه حل و فصل می‌گردد و اصولاً ادامه یافتن این روش منوط به تراضی طرفین اختلاف می‌باشد و نهایتاً برخلاف رسیدگی محاکم، جریان رسیدگی در ADR تابع اراده طرفین بوده و تشریفات مشخصی ندارد.

پاسخ مهمی مطرح است که آیا داوری جز شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلافات بوده و یا خود روش مستقلی است؟ برخی نویسندگان معتقدند که در آمریکا و پاره‌ای از کشورهای

¹ - Callum M., Arbitrate, adjudicate or mediate

² - Alternative Dispute Resolution

³ -Chia Kuang Lee, Tak Wing Yiu, Sai On Cheung

⁴ -Andrew Tweeddale and keren Tweeddale

⁵ - alan redfern and martin hunter

⁶ -Private Justice

⁷ -Negotiative Justice

⁸ -Amicable Settlement of Disputes

⁹ -Contractual Settlement Method

دیگر داوری جزء شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلافات به شمار می‌رود.^۱ (کریترز، ۲۰۰۲) در انگلستان و برخی کشورهای اروپایی داوری را از قالب ADR خارج می‌دانند. (میستلس، ۲۰۰۱: ۱۶۹)^۲ لیکن برخی نویسندگان داوری را جزء شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف تقسیم بندی کرده‌اند. (برنستین، ۱۹۹۸: ۱۳)^۳ در روش حل و فصل اختلافات در قراردادهای فیدیک، داوری نیز جز یکی از روش‌های حل و فصل اختلافات در نظر گرفته شده است. در بیان ارزیابی این دو نظریه به نظر می‌رسد داوری مشمول ADR نمی‌باشد همانطور که حقوقدانی در این خصوص بیان می‌دارند: مهمترین ویژگی شیوه‌های جایگزین حل اختلاف در این نکته است که کسی برای طرفین تصمیم نمی‌گیرد و رای صادر نمی‌کند، بلکه طرفین خود به توافق دست می‌یابند و داوری خارج از روش ADR می‌باشد. (شیروی، ۱۳۹۶: ۵۸) ولی در این پژوهش با توجه به مطالعه تطبیقی فیدیک و بر اساس ساختار روش‌های حل اختلافات در قراردادهای پیمانکاری، داوری جزو یکی از روش‌های ADR در نظر گرفته شده است.

شناسایی عوامل بروز اختلاف در قراردادهای پیمانکاری

امروزه صنعت احداث نقش اساسی در اقتصاد هر کشور دارد با این وجود این صنعت به طور قابل توجهی مستعد درگیری‌ها و اختلافات است که غیرقابل اجتناب شده است. پروژه‌های عمرانی پیچیده و پر ریسک بوده و دارای جزئیات فراوان و روابط متقابل پیچیده بین ارکان پروژه می‌باشد. اختلافات توانایی مختل نمودن پروژه را داشته و باعث افزایش هزینه‌ها، طولانی شدن زمان مدت اجرای پروژه و تاثیر منفی بر روابط آتی بین ذینفعان پروژه شود. همچنین اختلافات کوچک می‌تواند وخیم شده و به اختلافاتی فلج کننده برای طرفین پروژه تبدیل گردد. (اوساما، ۲۰۰۰)^۴ بیشتر اختلافات این‌چنینی به دلیل پیچیدگی، عدم مدیریت و عدم تجربه کافی ارکان پروژه است. (مهمید، ۲۰۱۶)^۵

پیچیدگی پروژه‌های این حوزه را در معرض درجه بالایی از عدم اطمینان و اختلافات احتمالی قرار دارد. (سی ان و یانگ پانگ، ۲۰۱۲)^۶ بنابراین حل و فصل اختلافات یکی از کارهای مهم روزمره هر مدیر پروژه بوده و اگر اختلافات پروژه‌های عمرانی به موقع برطرف نگردد باعث تاخیر در پروژه شده و در نهایت ممکن است به روابط تجاری آسیب برساند. (ایانکون، ۲۰۱۹) چندین محقق

^۱ -Herbert M . Kritzer

^۲ -Loukas A Mistelis

^۳ - Ronald Bernstein

^۴ - Jannadia, M. Osama, et

^۵ - Mahamid, Ibrahim

^۶ -Cheung, Sai On, and Karen Hoi Yan Pang

در راستای این مشکلات بیان داشتند ادعاها جزئی از ذات پروژه‌های عمرانی شده است. (چرلی و هارتمن، ۱۹۹۴)^۱

می‌توان از مشکلات پروژه‌های عمرانی جلوگیری نمود یا آنها را کاهش داد، زیرا اساسی‌ترین علت تاخیرها را می‌توان به موقع شناسایی و با آنها مقابله کرد. بنابراین پس از بروز اختلافات، مکانیسم حل اختلاف از پیش تعیین شده می‌تواند بر چندین پارامتر از جمله زمان حل اختلاف، مقدار اختلاف، میزان رضایت ذینفعان منفی با نتیجه نهایی و همچنین سایر فاکتورها تأثیر بگذارد. (تریسی، ۱۹۹۵)^۲ یافته‌ها نماینگر این است که ۹۵٪ از کل ادعاها را می‌توان با مذاکره، تسویه و خاتمه داده درحالی که فقط ۵٪ از ادعاها با داوری قابل حل است. (بونونترا و توباگی، ۲۰۱۵)^۳ با توجه به اهمیت شناسایی عوامل به منظور کاهش و یا جلوگیری از بروز دعاوی بین ارکان پروژه، در این بخش از پژوهش با تکیه بر مطالعات پیشین و نظرات خبرگان به تعیین عوامل بروز ادعا در قراردادهای سه عاملی پروژه‌های عمرانی^۴ پرداخته شده است. در این راستا از روش دلفی^۵ و تجزیه و تحلیل پارتو^۶ استفاده گردیده است.

شناسایی و مدیریت عوامل ادعا می‌تواند تأثیر بسزایی در هدایت صحیح پروژه در راستای اهداف تعیین شده و کاهش اختلافات ارکان پروژه داشته باشد. عوامل بروز ادعا با توجه به نوع پروژه، شرایط جغرافیایی، سیاسی- اجتماعی و دیگر موارد تأثیرگذار به تعداد و اهمیت‌های متفاوتی تقسیم‌بندی می‌شود. از این جهت شناسایی آنها با توجه به شرایط تأثیرگذار، امری مهم و ضروری به نظر می‌رسد. در زمینه عوامل بروز ادعا پژوهش‌های مختلفی در کشورهای گوناگون در بخش‌های مختلف صنعت احداث صورت گرفته که به منظور شناسایی عوامل تلاش گردید

^۱-Semple, Cheryl, Francis T. Hartman

^۲-Treacy, Thomas B

^۳-Hadikusumo, Bonaventura HW

^۴- در این قرارداد منظور از سه عامل کارفرما، مشاور و پیمانکار می‌باشد. قرارداد کارفرما از طریق قراردادهای جداگانه با مشاور و پیمانکار پروژه را به اجرا می‌گذارد. طراحی توسط مشاور انجام شده و سپس اجرای پروژه از طریق مناقصه به یک یا چند پیمانکار واگذار می‌گردد.

^۵- اساس و پایه روش یا تکنیک دلفی بر این است که نظر متخصصان هر قلمرو علمی در مورد پیش‌بینی آینده صائب‌ترین نظرست. بنابراین برخلاف روش‌های پژوهش پیمایشی، اعتبار روش دلفی نه به شمار شرکت کنندگان در پژوهش که به اعتبار علمی متخصصان شرکت کننده بستگی دارد. شرکت کنندگان در تحقیق دلفی از ۵ تا ۲۰ نفر را شامل می‌شوند.

^۶- تجزیه و تحلیل پارتو یک تکنیک آماری در تصمیم‌گیری است که برای انتخاب تعداد محدودی از کارهایی که اثر کلی قابل توجهی دارد استفاده می‌شود. این یکی از متداول‌ترین روش‌ها و اجرای آن آسان است. تجزیه و تحلیل پارتو یک روش شناسی نسبتاً ساده است که هنگام تلاش برای تعیین اینکه کدام یک از وظایف یا فاکتورهای یک سازمان بیشترین تأثیر را دارد بکار می‌رود.

جامع بودن پژوهش‌ها از نظر مکانی و زمانی مورد توجه قرار گیرد. با توجه به عدم پژوهش مشابه در کشور، پس از بررسی همه جانبه، ۳۱ مقاله به عنوان پژوهش‌های مبنا جهت شناسایی عوامل بروز اختلافات در قراردادهای پیمانکاری سه عامل در ایران تعیین گردید. مقاله‌های منتخب در بازه زمانی سال‌های ۱۹۹۴ تا سال ۲۰۱۹ می‌باشد. لازم به ذکر است حدود ۳۹ درصد از این مقاله‌ها (۱۲ مقاله از ۳۱ مقاله) در سالهای ۲۰۱۹ و ۲۰۱۸ به چاپ رسیده است که پس از غربالگری عوامل موجود در پژوهش‌های مبنا با استفاده از تکنیک‌های یاد شده در انتها مجموعاً ۴۰ عامل به عنوان عوامل بروز اختلاف در قراردادهای پیمانکاری در صنعت احداث ایران شناسایی و تعیین گردید که به شرح جدول ذیل می‌باشد.

جدول شماره ۱: عوامل بروز ادعا در قراردادهای پیمانکاری در صنعت احداث ایران^۱

ردیف	دسته	ردیف عوامل	عامل بروز ادعا در پروژه‌های عمرانی
۱	عوامل مرتبط با کارفرما	۱	مدیریت و هماهنگی ضعیف پروژه (کارفرما)
		۲	تاخیر در پاسخگویی به مسائل (کارفرما)
		۳	تاخیر در پرداخت مالی
		۴	عدم وجود تجربه در زمینه پروژه (کارفرما)
		۵	تاخیر در تحویل زمین (تاخیر کارفرما) مجوزها، معارض زمین
		۶	عدم سلامت در برگزاری مناقصه
		۷	دستورات تغییر کار شفاهی (کارفرما)
۲	عوامل مرتبط با پیمانکار	۸	تاخیر در پاسخگویی به مسائل (پیمانکار)
		۹	ارائه قیمت پایین در مناقصه به دلیل رقابت
		۱۰	خطا در زمانبندی پروژه
		۱۱	مشکلات مالی پیمانکار
		۱۲	مشکلات مربوط به پیمانکاران جزء
۳	عوامل مرتبط با مشاور	۱۳	خطا در طراحی و مشخصات فنی
		۱۴	اطلاعات ناکافی در خصوص طراحی
		۱۵	کنترل کیفیت ضعیف پروژه
		۱۶	تاخیر در پاسخ گویی به مسائل (مشاور)
		۱۷	عدم وجود تجربه در زمینه پروژه (مشاور)
		۱۸	زمان ناکافی برای آماده سازی در مناقصه
		۱۹	اطلاعات ناکافی در زمان مناقصه
		۲۰	تعلیق کار از طرف یکی از ارکان پروژه
		۲۱	تسریع در پروژه
		۲۲	خاتمه پیمان توسط یکی از ارکان پروژه

بررسی روش‌های حل و فصل اختلافات در قراردادهای پیمانکاری با مطالعه تطبیقی در فیدیک

۴	عوامل مشترک بین ارکان پروژه	۲۳	انتظارات غیر واقع بینانه توسط ارکان پروژه
		۲۴	خطا در کنترل برنامه زمانبندی
		۲۵	تخصیص/شناسایی ناکافی ریسک‌های پروژه
		۲۶	تهیه ضعیف مدارک و مستندات در طول پروژه
		۲۷	تدوین ضعیف قرارداد
۵	عوامل مرتبط با شرایط قراردادی	۲۸	خطای برآورد در زمان مناقصه
		۲۹	شرایط متفاوت محل پروژه
		۳۰	عدم شفافیت در محدوده پروژه
		۳۱	عدم تعیین مسئولیتها در قرارداد
		۳۲	تناقض در اسناد قراردادی
		۳۳	عدم قطعیت در رابطه با عوامل زیرزمینی
۶	عوامل غیر قابل پیش بینی	۳۴	حوادث قهری
		۳۵	شرایط آب و هوایی
		۳۶	عوامل اقتصادی حاکم بر منطقه
۷	عوامل بیرونی	۳۷	تفاوت‌های فرهنگی
		۳۸	ریسک‌های اجتماعی - سیاسی
		۳۹	تغییر در هزینه مواد و مصالح و یا نیروی انسانی
		۴۰	مقررات دولتی

نهاد داوری در قراردادهای پیمانکاری دولتی

داوری نوعی تعیین شخص مرضی الطرفین است که با توجه به تجارب و صلاحیت‌های مدنظر او، طرفین اختلاف با انتخاب داور در رسیدن به نتیجه مطلوب و با توجه به غیرانعطاف بودن شرایط و قواعد دادرسی در محاکم ملی تلاش می‌کنند. برخی از حقوقدانان داوری را این چنین تعریف کرده‌اند: حل و فصل اختلافات توسط شخصی غیرقاضی و بدون رعایت تشریفات رسیدگی دعاوی. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴: ۲۸۴) نویسنده دیگری داوری را اینچنین تعریف نموده‌اند: موافقتنامه داوری عقدی است که به موجب آن طرفین توافق می‌نمایند که دعوای موجود خود را که در آینده ممکن است حادث شود، برای رسیدگی و صدور رای، به داوری یک یا چند نفر ارجاع نمایند. (شمس، ۱۳۹۷: ۵۰۶) در تعریف دیگری بیان شده است که داوری فرآیندی است که از طریق آن دعوی یا اختلاف بین دو یا چند نفر در خصوص حقوق تعهدات قانونی آنها به جای ارجاع به دادگاه قانونی به یک یا چند نفر واگذار می‌گردد تا به صورت قضایی و به واسطه اعمال قانون، اختلاف را حل و فصل کنند به نحوی که تصمیم آنها لازم الاجرا باشد. (نیکس، ۱۳۹۷: ۱۶۴)^۱ داوری در ضمن قرارداد اصلی به صورت شرط ضمن عقد مورد موافقت قرار می-

^۱-LexisNexis, 2017, 164

گیرد. البته در برخی مواقع نیز موافقتنامه داوری طی یک سند و قرارداد جداگانه بین طرفین منعقد می‌شود. (شیروی، ۱۳۹۶: ۹۳) داوری چه بصورت توافقنامه داوری مستقل و یا شرط ضمن عقد باشد شالوده آن اصل حاکمیت اراده‌ها و اصل آزادی قراردادهای بوده که ممکن است به صورت داوری موردی و یا داوری سازمانی توسط طرفین اختلاف تعیین گردد. نهاد داوری پیش-بینی شده در ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان سه عاملی، منظم به قراردادهای پیمانکاری به صورت شرط ضمن عقد بوده و اعتبار آن بر پایه قرارداد اصلی می‌باشد.

– تحدید قلمرو ممنوعیت داوری قراردادهای پیمانکاری دولتی

مطابق اصل ۱۳۹ قانون اساسی و ماده ۴۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی دعاوی راجع به اموال دولتی قابلیت ارجاع به داوری را ندارد. از طرفی می‌توان قراردادهای داوری در این‌گونه اختلافات بدون رعایت قلمرو قانونی از اساس باطل دانست. (خزاعی، ۱۳۸۸: ۱۱۳) اختلاف در تفسیر اصل ۱۳۹ قانون اساسی همیشه یکی از پر چالش‌ترین موضوعات حقوق عمومی بوده و عدم دامنه مشخص در خصوص اموال دولتی و عمومی و همچنین اعمال تصدی یا حاکمیتی، مورد بحث و اختلاف نظر بوده و علیرغم استفسار از شورای نگهبان قانون اساسی در جهت تفسیر اصل فوق‌الشاره پاسخ روشنی داده نشده است. بی‌آنکه در پی تکرار نظرات مولفین حقوقی باشیم باید تلاش نمود با تفسیر مضیق و کارآمد تا حد امکان از موارد بطلان قرارداد داوری یا ابطال رای داور بکاهیم و موجبات توسعه فرایند داوری را در حل و فصل اختلافات با توجه به مزایای ویژه آن فراهم نماییم. رویه عمومی دولت رعایت محدوده این اصل بوده و بخشنامه ریاست جمهوری به شماره ۳۴۸۶۰ مورخ ۱۳۸۲/۰۸/۲۷ خود موید این نظر است، ولی در برخی موارد که محدوده اصل ۱۳۹ توسط دستگاه‌ها یا شرکت‌های دولتی نیز رعایت نشده با بطلان قرارداد داوری و یا رای داور مواجه بودیم. در این میان می‌توان به رای هیات عمومی دیوان عدالت^۱ اشاره نمود. از انجایی که محدوده ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان در قلمرو اصل ۱۳۹ قانون اساسی و ماده ۴۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی می‌باشد و در گذشته بین حقوقدانان و رویه قضایی در خصوص عدم تصویب هیات وزیران به صورت موردی در خصوص ارجاع اختلافات از سوی سازمان مدیریت برنامه ریزی کشور به شورای عالی فنی (نهاد داوری) اختلاف نظرهای اساسی مطرح بود و شاهد ابطال برخی آرای داوری این نهاد از سوی مراجع قضایی در گذشته بوده‌ایم، لذا سازمان برنامه و بودجه در راستای رعایت اصول قانونی و جلوگیری

^۱ – رای هیات عمومی دیوان عدالت به شماره ۳۷۶/۶۵۴-۹۰ مورخ ۱۳۹۱/۳/۲۲

از ابطال آراء، نسبت به تصویب موردی درخواست‌های داوری در هیأت وزیران و اخذ مصوبه در پذیرش نهاد داوری شورای عالی فنی اقدام می‌نماید که می‌توان به جلسه هیأت وزیران در مورخ ۱۳۹۶/۰۴/۱۰ و مصوبه شماره ۵۵۵۳۹/۴۵۶۵۵ مورخ ۹۶/۴/۱۰ و جلسه مورخ ۱۳۹۸/۰۸/۱۹ و مصوبه شماره ۱۰۴۶۷۹/ت۵۷۱۳۹ مورخ ۱۳۹۸/۰۸/۲۱ استناد نمود.

م - مدت داوری بر اساس ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان

مدت زمان فرایند داوری در قراردادهای پیمانکاری و عمرانی تمایزی با یکدیگر نداشته و تابع شرایط عقد و شرط قراردادی می‌باشد. قانونگذار در تبصره ماده ۴۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی در صورت عدم توافق طرفین در خصوص مدت داوری، این مدت را از زمان شروع داوری به مدت ۳ ماه تعیین نموده است و همچنین یکی از موارد ابطال رای داوری طبق بند ۴ ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی عبور از مدت تعیینی می‌باشد.

نهاد داوری شورای عالی فنی مطابق ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان، در قراردادهای عمرانی نیز با تبعیت از قانون مدت زمان داوری را مد نظر داشته و در صورتیکه به دلایل رسیدگی هیأت‌های کارشناسی و پیچیدگی پرونده زمان بیشتری مورد نیاز باشد این نهاد با توافق اصحاب دعوا و طی موافقتنامه‌ای نسبت به تمدید مدت زمان داوری مطابق با قانون اقدام و از ابطال آرای داوری جلوگیری به عمل می‌آورد. البته در خصوص نهاد داوری در قراردادهای پیمانکاری در برخی از موارد شاهد ابطال رای داوری به دلیل عدم رعایت زمان داوری بوده‌ایم که می‌توان به دادنامه صادره از شعبه ۱۸ دادگاه تجدید نظر استان تهران^۱ استناد نمود.

شناسایی عوامل ناکارآمدی نهاد داوری در شرایط عمومی پیمان

شرایط عمومی پیمان در ماده ۵۳ خود که حاوی شرط داوری در قراردادهای پیمانکاری می‌باشد، انجام موضوع داوری را با شرایطی به عهده شورای عالی فنی سازمان برنامه و بودجه قرار داده است. شورای عالی فنی، صرف نظر از بحث میزان بی طرفی شورای عالی فنی در حل اختلاف کارفرما و پیمانکار، مرجعی "غیرقضایی" تلقی می‌شود که واجد شخصیت حقوقی است. این شورا برابر ماده واحده لایحه قانونی راجع به اصلاح تبصره ۸۰ قانون بودجه سال ۱۳۵۶ کل کشور مصوب ۵۸/۱۱/۲ شورای انقلاب مرکب از سه نفر به پیشنهاد رئیس سازمان و مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و تصویب هیأت وزیران تشکیل می‌شود. نکته قابل توجه در انتخاب اعضای این شورا این است که به استناد ماده ۸ لایحه قانونی منع مداخله کارکنان دولت در معاملات

^۱ - دادنامه تجدید نظر خواسته به شماره ۱۰۷۸ در تاریخ ۸۴/۷/۱۲ صادره از شعبه ۱۲۵ دادگاه عمومی حقوقی تهران که بر بطلان رای داوری در تاریخ ۱۳۸۱/۱۰/۱ اشعار می‌دارد.

دولتی مصوب ۱۳۳۷/۱۰/۲۲ و اصلاحات بعدی به طور کلی کارکنان دولت و اقربای درجه یک آنها از داوری در دعاوی دولتی ممنوع شده و در صورت داوری، رأی و نظر آنها را باطل و مستحق مجازات حبس دانسته است؛ از همین رو می‌بایست کارکنان دولت بنا بر تعریف این لایحه قانونی به عضویت این شورا تعیین نشوند. با توجه به مزایای فراوان نهاد داوری در امور پیچیده و تخصصی همانند قراردادهای پیمانکاری انتظار می‌رفت که شورای عالی فنی به عنوان سازمان داوری تخصصی با توجه به ظرفیت ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان رقبت فراوانی برای طرفین اختلاف به حل منازعات خود ایجاد می‌نمود که متأسفانه در عمل شاهد این موضوع نمی‌باشیم. لذا ایرادات ذیل مانع از رسالت صحیح نهاد داوری پیش بینی شده در شرایط عمومی پیمان می‌باشد.

- ایراد ناشی از اختیاری بودن مراجعه به داوری

استعمال واژه "می‌تواند" در ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان به اعتقاد برخی از حقوقدانان جنبه اختیاری دارد و اکثر محاکم قضایی به این سمت نظر دارند. (هریسی، ۱۳۸۹: ۴۲۵) این نظر از این سو تقویت می‌شود که سازمان برنامه و بودجه در پاسخ به یکی از انجمن‌های صنفی طی نامه شماره ۵۳/۱۳۰۴۰۴ مورخ ۱۳۸۴/۸/۱۷ در مقام تفسیر ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان، مراجعه به داوری شورای عالی فنی را برای حل اختلافات طرفین اجباری نمی‌داند، بنابراین با این وصف و از آنجا که اختلاف توسط شورای عالی فنی، یک حق قراردادی است و اعمال و اسقاط این حق در اختیار ذی حق است، او می‌تواند و مخیر است که در صورت اختلاف به داوری شورا مراجعه یا موضوع را در دادگاه صالح طرح نماید.

- ایراد ناشی از اختیار مطلق رئیس سازمان برنامه و بودجه در ارجاع به داوری شورای عالی فنی

تبصره ۱ بند ج ماده ۵۳ اشعار می‌دارد: "چنانچه رئیس سازمان یاد شده با تقاضای مورد اشاره موافقت نمود مرجع حل اختلاف شورای عالی فنی خواهد بود" این اختیار بی قید و شرط ریاست سازمان موجبات طولانی شدن حل و فصل اختلافات شده و باعث تعطیلی و رکود پروژه می‌گردد. برخی از حقوقدانان معتقدند شرط داوری مذکور در ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان نوعی داوری اجباری قراردادی تلقی م‌شود و یکی از طرفین نمی‌تواند شرط را نپذیرد و در واقع به قیمت عدم انعقاد قرارداد منجر می‌شود (کریمی، ۱۳۹۲: ۵۷) لذا به نظر می‌رسد در صورت عدم ارجاع به داوری شورای عالی فنی هیچ راهی به‌جز مراجعه به محاکم برای طرفین قرارداد به‌خصوص پیمانکار پروژه باقی نمی‌ماند. همچنین رئیس سازمان در ارجاع امر به داوری شورا به این موضوع توجه دارد که بودجه پیمان از محل اعتبارات عمرانی تامین شده باشد، در غیر اینصورت اگر تامین بودجه قرارداد پیمانکاری از محل اعتبارات جاری بوده یا دو طرف قرارداد

از اشخاصی باشند که به عنوان دستگاه اجرایی شناخته نشوند شورا حق انجام داورى را ندارد و رئیس سازمان با ارجاع داورى به شورای موافقت نخواهد کرد.

- ایراد ناشی از عدم دخالت طرفین در انتخاب هیات داورى

در بند ج ماده ۵۳ مقررات شرایط عمومى پیمان شورایعالی فنى به عنوان مرجع داورى تعیین شده است لذا شورایعالی فنى به حکم قانون نهادى حقوقى است ولى داورى انجام شده توسط این شورای توسط اعضاى حقیقى صورت مى‌پذیرد البته قانون آیین دادرسى مدنى داورى اشخاص حقوقى را منع ننموده و همچنین طبق ماده ۵۸۹ قانون تجارت، تصمیمات شخص حقوقى به وسیله مقامات صلاحیتدار اتخاذ مى‌گردد. لذا تردیدى در داورى اشخاص حقوقى وجود ندارد و به عقیده برخى از نویسندگان داورى در شورایعالی فنى را باید نوعى داورى سازمانى دانست (کریمى، ۱۳۹۲: ۵۴). ولى ایرادى که قابل طرح مى‌باشد این است که عموماً طرفین اختلافات در ارجاع منازعات به داورى در انتخاب داور و یا هیات داورى به تراضی اقدام مى‌نمایند و نباید به صرف سازمانى بودن داورى، طرفین قراردادهای پیمانکاری را از حق انتخاب و دخالت در تعیین هیات داورى منع نمود و این اجازه به هیات دولت واگذار شود تا اشخاص محدودى را به عنوان داور انتخاب نماید. در برخى سازمان‌هاى داورى مشاهده مى‌شود که طرفین اختلاف در تعیین داور نقش داشته و موجبات ترغیب طرفین اختلاف به استفاده از شیوه داورى را فراهم مى‌نماید برای مثال در دیوان داورى اتاق بازرگانى بین‌المللى طرفین مى‌توانند با توافق یک یا سه داور را معین کنند و در صورت عدم توافق دیوان یک نفر را به عنوان داور معین مى‌کند. همین روش در مرکز داورى واپو نیز وجود دارد و طرفین حق توافق برای انتخاب داور را دارا هستند. مقررات داورى سازمان جهانی مالکیت فکرى حاوی تمهیدات لازم در راستای حمایت از حقوق مالکیت فکرى پدیدآورندگان بوده و مهمتر از آن از سرعت رسیدگى مناسبى در روند جریان رسیدگى برخوردار است. (تفرشى و همکاران، ۱۳۸۷: ۹۱) همچنین مرکز منطقه‌ای تهران و مرکز داورى اتاق ایران که هر دو در کشور ما به عنوان نهاد داورى سازمانى اقدام به حل و فصل اختلافات در زمینه امور تجارى و اقتصادى مى‌پردازند. طرفین دعوا را مجاز به توافق و تراضی در انتخاب داوران نموده‌اند. به ویژه آنکه مرکز داورى اتاق ایران از میان حقوقدانان و بازرگانان داخلى و خارجى اشخاصى را که از طریق دبیر کل پیشنهاد مى‌شوند به تایید هیات مدیره مى‌رسانند و طرفین داورى قادر به انتخاب داوران تایید شده به عنوان داوران پرونده خویش مى‌باشند.

(شیروى، ۱۳۹۶: ۱۱۵)

- ایراد ناشی از عدم رسیدگی به دعاوی غیرمالی از سوی شورای عالی فنی

برخی اختلافات ناشی از فسخ^۱ و یا خاتمه پیمان^۲ می‌باشد و از آنجایی که رئیس سازمان برنامه و بودجه از ارجاع چنین اختلافاتی به دلیل غیرمالی بودن، خودداری می‌ورزند و اساساً شورای عالی فنی به دلیل مصوبه هیات وزیران صلاحیت داوری اموال را دارد، عملاً به این اختلافات ورود پیدا ننموده و طرفین قرارداد عمرانی ناگزیر به مراجعه به محاکم ملی جهت رفع خصومت می‌باشند. نویسنده‌ای در این خصوص بیان می‌دارد: اگر بنا بر این باشد که داور صلاحیت رسیدگی به بطلان قرارداد اصلی را نداشته باشد در واقع فایده‌ای برای شرط مذکور نبوده، این در حالی است که از طرفین نمی‌توان انتظار داشت که کار بیهوده و لغو انجام دهند. آنها معتقدند که اگر شرط داوری که در قراردادی گنجانده شده به مجرد بطلان قرارداد اصلی دیگر چه مرجعی برای حل اختلاف‌ها باقی می‌ماند؟! چرا طرفین قرارداد دستشان از مرجعی که مورد توافق طرفین است، کوتاه می‌ماند. (خلیلیان، ۱۳۸۲: ۳) در خصوص رویه قضایی در دعاوی غیر مالی قراردادهای عمرانی می‌توان به دادنامه صادره از شعبه ۸۳ دادگاه عمومی حقوقی تهران^۳ استناد نمود.

داوری در فیدیک

فیدیک فدراسیون بین‌المللی مهندسين مشاور^۴ می‌باشد که در سال ۱۹۱۳ تأسیس شده است. (موسیل، ۲۰۰۶: ۶) زمینه کاری فیدیک تدوین استاندارد قراردادهای، اسناد قراردادی و الگوهای توافق در قراردادهای و همچنین تشکیلات ارائه سمینارها و ارائه اطلاعات جدید در خصوص مسائل قراردادهای پروژه‌های عمرانی- صنعتی م باشد که مورد استفاده پیمانکاران و کارفرمایان در بسیاری از پروژه‌ها می‌باشد. فیدیک در مورد الگوهای مربوط به شیوه‌های حل و فصل اختلافات فعالیت می‌نماید. (همان، ۲۰۰۶) البته شیوه‌های حل و فصل اختلافات در فیدیک متنوع بوده لکن ترتیب و نظم خاصی ندارد و بستگی به توافق طرفین در انتخاب یکی از شیوه‌های حل و فصل اختلافات دارد. کشور ما نیز در سال ۱۹۹۴ به عضویت سازمان فیدیک درآمد است که به عنوان جامعه مهندسان مشاور ایران در سال ۱۳۵۲ فعالیت خود را آغاز کردند. نحوه حل و فصل اختلافات در شرایط قراردادهای عمرانی فیدیک به گونه‌ای است که مستقیماً با

^۱ - آثار ماده ۴۶ و ۴۷ شرایط عمومی پیمان

^۲ - آثار ماده ۴۸ شرایط عمومی پیمان

^۳ - دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۲۲۱۶۸۶۰۰۰۷۷ مورخ ۱۳۹۵/۰۲/۶ صادره از شعبه ۸۳ دادگاه عمومی تهران که تقاضای خواهان صدور حکم بر لغو اقدام کارفرما در اعمال ماده ۴۶ شرایط عمومی پیمان بوده است.

^۴ - International federation of consulting engineer

^۵ - Musil david

دعای مطروحه میان کارفرما و پیمانکار در ارتباط است که با توجه به اصل نسبی بودن قراردادهای، مانند هر شرط قراردادی دیگری صرفاً طرفین قرارداد هستند که حق استناد به شرط حل اختلاف مندرج در آن را دارند و چنین شرطی در برابر اشخاص ثالث قابل استناد نیست. با امعان نظر در قراردادهای فیدیک استنباط می‌گردد که هرگونه دعوا یا اختلاف میان کارفرما و پیمانکار در ارتباط یا ناشی از قرارداد یا در اجرای کار، چه در جریان پیشرفت کار باشد و چه در پایان آن و پس از تکمیل پروژه باید در وهله اول به مهندس مشاور ارجاع شود تا حسب مورد ظرف ۵۶ روز پس از ارجاع کتبی موضوع از سوی احد از طرفین، تصمیم خود را کتباً اتخاذ و به ایشان ابلاغ نماید. چنانچه مهندس مشاور تصمیم کتبی خود را به کارفرما و پیمانکار ابلاغ نماید و در مدت ۵۶ روز، هیچ اعتراضی از سوی طرفین مطرح نشود و هیچ یک متقاضی ارجاع موضوع به داوری نباشند، تصمیم موردنظر نهایی و لازم الاجرا باقی می‌ماند؛ به عبارتی مادام که تصمیم مهندس مشاور به طریق دیگری مورد بازنگری قرار نگرفته است طرفین باید به تصمیم، ترتیب اثر دهند. این همان ویژگی منحصر به فرد و جنبه خاص رسیدگی به اختلافات ناشی از قراردادهای پیمانکاری است.

تعیین مدت برای تصمیم‌گیری مهندس مشاور به معنای به تأخیر انداختن ارجاع به داوری نیست، چه بسا مهندس مشاور در مهلت مقرر تصمیم‌گیری نموده و تصمیم صادره به دلیل عدم اعتراض از سوی طرفین، قطعی و لازم الاجرا گردد که در این صورت نوبت به ارجاع به داوری نیز نمی‌رسد. لذا مهلت‌های مقرر به منظور تسهیل در امر رسیدگی تخصصی به اختلاف و یافتن راه حل آن و اجتناب از داوری است. مقرر حل اختلاف در نمونه قراردادهای ۱۹۹۹ فیدیک (ویرایش چهارم) در بند ۷-۲۰^۱ پیش‌بینی نموده، چنانچه تصمیم هیات حل اختلاف نهایی و لازم الاجرا شد و یکی از طرفین از اجرای آن سرباز زد، موضوع مستقیماً قابل ارجاع به داوری باشد بدون آنکه نیاز باشد موضوع عدم اجرا مجدداً به هیات حل اختلاف ارجاع تا بدواً نسبت به آن تصمیم‌گیری و سپس به داوری ارجاع شود. به موجب نص صریح ماده ۶۷ فیدیک (ویرایش سوم) اعلام نارضایتی نسبت به تصمیم مهندس مشاور و اعلام قصد ارجاع به داوری در مهلت مقرر، از شرایط لازم برای پذیرش دعوا نزد مرجع داوری است. به نحوی که چنانچه خارج

¹-20.7: where neither party has given notice of dissatisfaction within the period dtated in sub-clause 20.4 and the dispute adjudication Board s related decision, if any, has become final and binding, either party may, if other party fails yo comply with such decision, and without prejudice to any other rights it may have, refer the failure itself to arbitration under sub-clause 20.6. the provision of sub- clause 20.4 and 20.5 shall not apply to any such reference.

از مهلت انجام پذیرد طرفین را از ارجاع به داوری در آن خصوص محروم می‌سازد.^۱ به نظر می‌رسد عدم وجود مهندسین مشاور در قراردادهای کارفرما در انتخاب مهندسین مشاور از موجبات استحقاق پیمانکار برای ارجاع مستقیم دعوا به داوری اس. در آراء صادره دیوان داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی به شماره‌های ۶۲۷۶ و ۶۲۷۷ سال ۱۹۹۰، علیرغم اینکه کارفرما، برای پروژه مهندسین مشاور تعیین ننموده بود، دیوان داوری مزبور دعوی پیمانکار را نپذیرفت.^۲ شروط حل اختلاف مندرج در نمونه قراردادهای فیدیک (ویرایش سوم و چهارم)، مطلق دعوی را در صلاحیت مهندس مشاور و یا کمیته حل اختلاف قرار داده است. حقوق انگلیس و به‌طور کلی نظام کامن لا که مهد تولد این نهاد است، مهندس مشاور یا کمیته حل اختلاف را دارای صلاحیت اظهارنظر در امور حقوقی می‌داند و حقوق فرانسه چنین صلاحیتی را در خصوص مهندس مشاور منتفی می‌داند. (زرکلام، ۱۳۸۳: ۱۲۷) البته برای حل این مشکل در قرارداد ساخت تونل زیر دریای مانس راه حل معقولی ارائه شد، بدین صورت که در میان اعضای کمیته حل اختلاف، یک حقوقدان نیز قرار داشته باشد.

به‌موجب مقررات ۱۹۹۹ فیدیک، اختلافات توسط کمیته حل اختلاف حل و فصل می‌گردد و ممکن است برخی استنباط نمایند که این مسئله مجدداً نوعی اعمال محدودیت نسبت به محدوده اختیار پیمانکار در ارجاع دعوا به داوری قبل از تکمیل کار پروژه، ایجاد نموده، اما طبق قراردادهای ۱۹۹۹ فیدیک نیز هر یک از طرفین آزادند تا در هر زمانی به‌شرط رعایت شرط حل اختلاف مندرج در قرارداد، اختلاف را به داوری ارجاع دهند. (کریستوفر سپالا، ۲۰۰۹: ۱۲) هر چند مطابق ماده ۶-۲۰ مندرج قراردادهای فیدیک (ویرایش چهارم)، صراحتاً مقرر داشته است که ارجاع به داوری در اثنای اجرای قرارداد، باعث تعلیق تعهدات طرفین نسبت به یکدیگر نخواهد شد. مضافاً اینکه، به‌موجب مقررات داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) بعد از امضای موافقت‌نامه ارجاع به داوری، دعاوی و اختلافات جدید قابل ارائه به دیوان داوری نیست جز در مواردی که دیوان مجاز بدارد.^۳ در نمودار ذیل ترتیب معمول رخدادهای پیش‌بینی شده مربوط به اختلافات را براساس فیدیک نمایش می‌دهد. (برگرفته از کتاب قرمز رنگ فیدیک)

^۱ - رجوع شود به آراء ۵۶۳۴، ۴۸۶۲، ۵۰۲۹ در بولتن شماره ۱ جلد ۲ ژوئن ۱۹۹۱ دیوان داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی

^۲ - Extract from ICC Award: Construction Contracts Referring to FIDIC Conditions- Part 2", The ICC International Court of Arbitration Bulletin 46, (1998), vol 9, No 2, pp 58-60

^۳ - Article 19 of ICC Arbitration Rules

روش‌های جایگزین حل و فصل اختلاف

- مفهوم

روش‌های جایگزین حل و فصل اختلاف که به اختصار ADR نامیده می‌شود، امروزه در اکثر کشورهای دنیا به عنوان ابزار مؤثری جهت حل و فصل اختلافات میان اشخاص بکار می‌رود تا جایی که بسیاری از این کشورها و نهادها و سازمان‌های بین‌المللی از قبیل فیدیک با انجام اقدامات وسیعی از جمله وضع و اصلاح قوانین و مقررات و ایجاد بسترهای لازم سعی در جایگزین کردن شیوه‌های مزبور به جای دادگاه‌ها در فرایند حل اختلاف دارند. برای فهم کامل مفهوم روش‌های جایگزین حل و فصل اختلافات ابتدا باید تعریف روشنی از آن ارائه گردد تا ویژگی‌ها، مؤلفه‌ها و جایگاه آن به طور مؤثرتری درک شود.

شیوه‌های جایگزین حل اختلاف عنوان عامی است که به راهکارهای حل و فصل خصوصی از اختلافات از سوی افراد اشاره دارد ... مقصود از شیوه‌های جایگزین حل اختلاف^۱ طرق و راهکارهایی است که طرفین یک اختلاف به جای توسل به دادگاه‌های دادگستری برمی‌گزینند تا دعوای خود را به گونه‌ای که خود مناسب می‌دانند فیصله دهند. (توسلی جهرمی، ۱۳۸۰: ۳۶۵)

در تعریفی دیگر یک محقق یونسکو بنام یونا شامیر از روش‌های جایگزین حل و فصل اختلافات به عنوان حل شایسته اختلاف یا گرایش و تکنیک‌های لازم برای رفع غیرقضایی و غیرمخاصمه‌ای اختلاف یاد می‌کند. (سیف الهی و جم، ۱۳۸۹: ۸۷) که بیشترین تاکید این تعریف بر حل اختلاف در خارج از دادگاه‌های دولتی است. تعریفی دیگر که منظور از روش‌های جایگزین حل اختلاف را همه‌ی آیین‌ها و روش‌های فصل دعوای میان اشخاص به‌استثنای دادرسی قضایی می‌داند. (اسکندری، ۱۳۸۴: ۲۹) اشاره به رسیدگی‌هایی غیر از بررسی قضایی دارد که الزامات رسیدگی قضایی را نیز ندارند. بنابراین با توجه به تعاریف فوق می‌توان گفت روش‌های جایگزین حل و فصل اختلافات به روش‌هایی اشاره دارد که طرفین یک اختلاف براساس آن بتوانند بدون نیاز به دادگاه قضایی، به صورت آزادانه با انتخاب این شیوه‌ها به حل و فصل اختلاف شان بپردازند و در نهایت با توافق و تراضی یکدیگر به نتیجه‌ی عادلانه‌ای دست یابند.

- انواع روش‌های جایگزین حل اختلاف در فیدیک

انواع متفاوتی از روش‌های جایگزین حل اختلاف در فرایند حل اختلافات فیدیک وجود دارد که می‌تواند یکی از این موارد باشند: میانجیگری، سازش، رسیدگی کوتاه، ارزیابی بیطرفانه، داوری، حقیقت‌یابی، مذاکره.

¹ - Alternative dispute resolution

این نکته حایز اهمیت است که بیشتر انواع روش‌های جایگزین حل اختلاف اگر چه با یکدیگر متفاوتند اما همه آنها در یک ویژگی، شرکت یک شخص ثالث به عنوان مشخصه اساسی، مشترکند. (شاول، ۱۹۹۵: ۱۱)^۱

میانجیگری

میانجیگری به عنوان محبوب‌ترین شیوه جایگزین حل اختلاف، مذاکره سازمان یافته‌ای است که در آن شخص ثالث به عنوان میانجیگر توسط طرفین منصوب می‌شود تا به آنها در حل اختلاف ایجاد شده کمک کند. شخص ثالث بی‌طرف معمولاً نمی‌تواند تصمیم‌گیری کرده و یا پیشنهادی ارائه کند بلکه به طرفین کمک می‌کند تا در مورد راه حل‌های مورد نظرشان مذاکره نمایند. طرفین خود در رسیدن به یک توافق دو طرفه مسئول بوده و میانجیگر نمی‌تواند آنها را در رسیدن به راه حل مجبور نماید. (روبن، ۱۹۹۷: ۵۸۱)^۲

از آنجایی که میانجیگری یک فرایند غیرالزام‌آور است، هیچ قاعده سختگیرانه‌ای برای اجرای رویه وجود ندارد و طرفین می‌توانند آن را تا آنجا که می‌خواهند اصلاح کنند. با این حال، یک مدل استاندارد وجود دارد، که در شکل ذیل نشان داده شده است:

شکل ۱- انجام میانجیگری^۳



^۱-Shavell

^۲-Reuben

^۳-<https://www.justice.gc.ca/eng/rp-pr/csj-sjc/dprs-sprdr/res/drrg-mrrc/03.html>

سازش

سازش در لغت به معنی توافق، سازگاری، صلح و خوش رفتاری است. سازش به این معنی است که طرفین با ارجاع اختلاف به شخص یا اشخاص مورد اعتماد و منتخب خود از آنها می‌خواهند که بین آنها سازش برقرار کند و یا راه حلی برای سازش پیشنهاد نماید بدون اینکه وارد رسیدگی حقوقی و قضایی بشود و سپس یا پیشنهاد آن شخص را می‌پذیرند و اجرا می‌کنند و یا به راه و روش دیگری رو می‌آورند. (یوسف زاده، ۱۳۸۷: ۲۷۶) همچنین سازش عبارت است از تراضی طرفین دعوی بر فیصله نزاع معین در دادگاه و با دخالت دادرس دادگاه سازش-نامه‌ای که به این ترتیب تنظیم می‌شود ماهیت یک سند رسمی صلح را دارد و مانند هر عقدی فقط بین طرفین و قائم مقام آنان لازم‌الاتباع است نه نسبت به ثالث. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵) در سازش مانند میانجیگری شخص ثالث توسط طرفین تعیین می‌شود ولی با این تفاوت که او نقش فعال‌تری ایفا نموده و می‌تواند پیشنهادهایی به عنوان راه حل عادلانه ارائه دهد. اما به هر حال نمی‌تواند طرفین را مجبور به پذیرش آن کند. (مریلس، ۲۰۰۵: ۲۸)^۱ در مورد سازش به عنوان روش حل اختلاف تقسیم‌بندی‌هایی صورت گرفته است. یکی از مهمترین تقسیم‌بندی‌ها، تقسیم سازش به سازش قضایی و سازش غیرقضایی یا مصالحه آمیز است. سازش غیرقضایی را به عنوان هرگونه سازشی که در فقدان قاضی یا در خارج از دادرسی که زیر نظر قاضی جریان دارد تحقق می‌یابد. (جارسون، ۱۹۹۱: ۱۸۲)^۲ مقررات یکنواختی در خصوص سازش غیرقضایی وجود ندارد و این نوع سازش همانند سایر شیوه‌های ای. دی. آر به سازش نهادی یا سازمانی و سازش موردی یا اتفاقی تقسیم می‌شود. در سازش قضایی، سازش در دادگاه انجام می‌شود و قاضی در روند سازش و گواهی نمودن سازش بین طرفین اختلاف نقش دارد. طبق ماده ۱۷۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی "در هر مرحله از دادرسی مدنی طرفین می‌توانند دعوای خود را به طریق سازش خاتمه دهند" و به موجب ماده ۱۸۰ همین قانون "سازش بین طرفین یا در دفتر اسناد رسمی واقع می‌شود یا در دادگاه و نیز ممکن است در خارج از دادگاه واقع شده و سازش‌نامه غیررسمی باشد".

به موجب این مقررات پس از کسب توافق طرفین قاضی می‌تواند شخص ثالث را به منظور ایجاد سازش بین طرفین تعیین کند جز در صورتی که دعوا مربوط به طلاق و تفریق جسمانی باشد. قاضی مدتی را که طی آن تلاش‌های لازم برای سازش صورت می‌گیرد تعیین خواهد

^۱-Merills

^۲- Jarsson

کرد. اشخاصی که به عنوان سازش دهنده اقدام می‌کنند ملزم به تعهد رازداری در برابر اشخاص ثالث هستند. تحقیقات انجام شده حتی نزد قاضی نیز نباید افشاء شوند مگر با توافق طرفین اختلاف و امکان استفاده آنها در رسیدگی‌های بعدی وجود دارد. (پلیوت، ۱۹۹۷: ۵۰۶)^۱

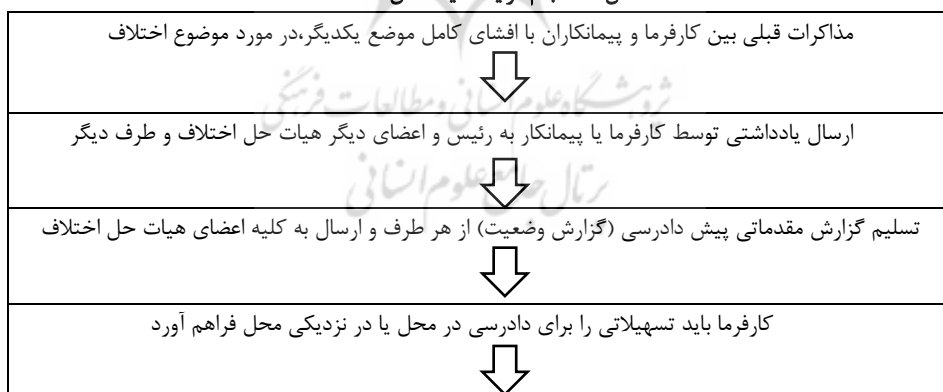
هیات حل اختلاف^۲

یک هیات حل اختلاف، ابزاری برای حل اختلاف است که به روش گسترده‌ای در پروژه‌های عمرانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. به طور خلاصه، هیات حل اختلاف برای نظارت بر روند محدودیت از طریق بازدید از سایت کار به صورت مرتب و گزارشات پیشرفت و ارائه توصیه‌ها و مشاوره‌هایی برای جلوگیری از بروز اختلافات، اجرا می‌شود. اعضای هیأت حل اختلاف باید برای رسیدگی به اختلافات "در صورت درخواست" در دسترس باشند. هیأت حل اختلاف می‌تواند توسط یک نفر نماینده اداره شود، اما به طور معمول از سه عضو تشکیل می‌شود، یکی توسط کارفرما، یکی توسط پیمانکار و نفر سوم به عنوان رئیس، توسط دو عضو اول تعیین می‌شود. هر شخص تعیین شده باید توسط کارفرما و پیمانکار تأیید شود و هر فرد منصوب باید بی طرف و غیرجانبدارانه باشد. (کیسی، ۲۰۰۵)^۳

روند حل اختلاف با استفاده از هیات حل اختلاف

اقدامات کلی در طی فرایند حل اختلاف م تواند به صورت خلاصه در شکل شماره ۲ شرح داده شود، که به عنوان مثال بنیاد هیأت حل اختلاف ایجاد شده است:

شکل ۲- انجام فرایند هیات حل اختلاف^۴



¹ -Pluyette

² -Dispute Adjudication Board

³ -Casey

⁴ -Callum M., Arbitrate, adjudicate or mediate? [online]. Retrieved: 15.3.2017. Available: <https://www.constructionnews.co.uk/companies/supply-chain/arbitrate-adjudicate-or-mediate/8654935.article>, 2013

بررسی روش‌های حل و فصل اختلافات در قراردادهای پیمانکاری با مطالعه تطبیقی در فیدیک

روند دادرسی با هر دو طرف که مستقیماً درگیر اختلاف هستند.

توصیه های هیات حل اختلاف در قالب یک گزارش کتبی به هر دو طرف داده می شود.

کارفرما و پیمانکار باید پذیرش / رد را به صورت کتبی ارائه دهند و یا از هیات حل اختلاف درخواست تجدید نظر کنند.

مذاکره

مذاکره به عنوان شکلی از ارتباط مستقیم یا غیر مستقیم تعریف شده است که به موجب آن طرفین درگیر در مورد مسئله مطرح شده هرگونه اقدام مشترکی برای مدیریت آن انجام می دهند و درنهایت در مورد حل و فصل اختلاف صحبت می کنند. امروزه روش مذاکره به عنوان "شیوه برتر حل اختلاف" می تواند در چارچوب سایر فرایندهای حل اختلاف مانند میانجیگری و دادرسی به کار رود. مذاکره هیچ قانون ثابتی ندارد اما از الگوی قابل پیش بینی پیروی می کند و ساده ترین روش حل اختلاف است. در این روش طرفین درگیر (دو یا چند شخص) صحبت خود را بدون دخالت شخص ثالث آغاز می کنند. مهارت های مذاکره در صنعت احداث مهم است زیرا "کمتر از ۵ درصد از امور کیفری و مدنی بایکدیگر انطباق دارند". این بدان معناست که بیشتر این موارد، حل و فصل نشده اند و روی آنها کار نشده است. (بو، ۲۰۱۴)^۱

مزایا و معایب روش های جایگزین حل و فصل اختلاف

استفاده از روش های جایگزین حل و فصل اختلاف مانند سایر روش ها محاسن و معایبی دارد که می تواند مبنای استفاده یا عدم استفاده از آنها قرار گیرد، به علاوه اینکه اعمال چنین روش هایی همواره آثار خاصی را به همراه دارد. به طور کلی می توان تمایل افراد برای استفاده از روش های جایگزین را به علت وجود مزایایی دانست که این روش ها در مقابل راهکار قضایی دارند، این ویژگی ها می توانند در نظام های حقوقی مختلف به صورت متنوع موجود باشند.

برخی از مهمترین مزایای این روش ها عبارتند از:

۱. سرعت رسیدگی های غیرقضایی و صرفه جویی در زمان
- روند رسیدگی ها در روش های جایگزین حل و فصل اختلافات سریعتر از رسیدگی های قضایی در دادگاه ها می باشد. (دراگوس و نیمتو، ۲۰۱۴)^۲ چرا که:
- اولاً: در روش های جایگزین از تراکم دعاوی و پرونده هایی که در دادگاه وجود دارد خبری

^۱-Bowe

^۲-Dragos and NeaMtu

نیست.

ثانیاً: رعایت تشریفات و آیین دادرسی از سوی طرفین و قضات دادگاه‌ها موجب کندی جریان حل اختلاف می‌شود، در صورتی که در روش‌های جایگزین تشریفات پیچیده‌ای ندارد. ثالثاً: اشخاص ثالث بیطرفی که طرفین را در حل اختلافشان یاری می‌کنند، اغلب با آگاهی از عرف‌های موجود، مهارت‌های لازم جهت رسیدگی را نیز دارا می‌باشند. رابعاً: مشکلات تعارض قوانین که در روش‌های جایگزین وجود ندارد و در نهایت تک مرحله- ای بودن رسیدگی‌های غیرقضایی منجر به افزایش سرعت حل اختلاف می‌گردد. (درویشی هویدا، ۱۳۸۴: ۳۷)

۲. غیر رسمی بودن

مراحل رسیدگی در روش‌های جایگزین حل و فصل اختلاف، انعطاف پذیری بالایی دارند و در اکثر موارد رسیدگی از طریق این روش‌ها بدون نیاز به دادخواست رسمی، مستندسازی گسترده کتبی و مقررات و شواهد صورت می‌گیرد. غیررسمی بودن این روش‌ها می‌تواند برای کسانی که توانایی استفاده از روش‌های قضایی را ندارند مهم تلقی شود، چرا که از پیچیدگی‌ها و دشواری‌های روش‌های رسمی فاصله می‌گیرند و به راحتی می‌توانند در فضایی دوستانه و غیررسمی و با سرعت بیشتر به حل و فصل اختلافات خود بپردازند. اما در روش‌های قضایی رعایت تشریفات و آیین رسیدگی توسط طرف دعوی و قضات الزامی است و این امر در نهایت منجر به کندی کار و طولانی شدن روند رسیدگی می‌گردد که به تراکم پرونده‌ها در مراجع قضایی و نارضایتی طرفین می‌انجامد. لذا نظام‌های جایگزین حل و فصل اختلاف می‌توانند با هدف سرعت بخشیدن به رسیدگی پرونده‌ها، رویه‌های ساده‌ای را ایجاد نمایند و در نهایت به عنوان یک مکمل در زمان افزایش تعداد پرونده‌ها به کمک مراجع قضایی بیایند. در ضمن از آن جایی که حل اختلاف در روش‌های غیرقضایی توسط شخص یا اشخاص منتخب و مورد اعتماد طرفین صورت می‌گیرد و این افراد دارای تخصص لازم در زمینه اختلاف موجود می‌باشند، این امر می‌تواند زمینه‌های لازم برای رسیدگی‌های سریع‌تر و عادلانه‌تری را فراهم کند. (گرگی و حسین آبادی، ۱۳۹۵: ۵۵)

۳. حفظ محرمانگی در رسیدگی‌های غیرقضایی

برخلاف رسیدگی‌های قضایی که به صورت علنی برگزار می‌شود و حضور عموم بلا مانع است، رسیدگی‌ها در روش‌های غیر قضایی به صورت محرمانه و غیرعلنی صورت می‌گیرد که این امر می‌تواند از محاسن مورد توجه روش‌های جایگزین به شمار آید. حضور همه افراد جامعه

در رسیدگی‌های قضایی حقی است که برای آنها در نظر گرفته شده و می‌توانند آزادانه با شرکت در جلسات رسیدگی، روند انجام آن و نحوه کار دادرسان را مشاهده نمایند. اما در رسیدگی‌هایی که از طریق روش‌های غیرقضایی و به صورت خصوصی انجام می‌گیرد، حضور افراد تنها با اجازه و رضایت طرفین اختلاف امکانپذیر است. امکان افشای اظهارات و اسناد مربوط به رسیدگی نیز برای دیگران وجود ندارد. محرمانه بودن روند رسیدگی در روش‌های غیرقضایی به عنوان یک امتیاز مهم برای طرفین اختلاف در نظر گرفته می‌شود، زیرا در بسیاری از موارد، طرفین علاقه‌ای به آگاهی دیگران نسبت به اختلافات شخصی خود ندارند. (درویشی هویدا، ۱۳۹۳: ۳۱۷)

معایب روش‌های جایگزین حل و فصل اختلافات

کاربرد روش‌های جایگزین حل و فصل اختلاف می‌تواند علاوه بر داشتن مزایا، دارای محدودیت‌هایی نیز باشد که مانع به‌کارگیری آنها توسط برخی از افراد می‌گردد. مهمترین معایب و محدودیت‌های این روش‌ها عبارتند از:

۱. امکان سوءاستفاده از روش‌های جایگزین حل و فصل

با وجود اهمیت زیاد محرمانه بودن رسیدگی‌ها در روش‌های جایگزین حل اختلاف، این ویژگی می‌تواند نظارت همگانی و بازرسی آراء نهایی را دشوار سازد و زمینه‌های سوء استفاده را ممکن سازد. هرچند که این روش‌ها مبتنی بر توافق طرفین است اما باز هم امکان تحمیل اراده طرف قوی‌تر به طرف ضعیف‌تر وجود دارد، یعنی فردی که از موقعیت بالاتری برخوردار است بتواند شرایط را به نفع خود تنظیم کند. لذا تنها در صورت وجود تعادل قدرت و اختیار بین طرفین یک دعوی می‌توان گفت که آنها در شرایط مساوی به نتیجه‌ی عادلانه رسیده‌اند. به همین علت توصیه می‌شود در مواردی که طرفین امکانات و جایگاه برابر ندارند، بهتر است اختلاف خود را از طریق دادگاه که همگان را در برابر قانون مساوی می‌داند، حل و فصل نمایند. نکته‌ی دیگر آنکه در بعضی موارد، افشای اطلاعات جریان رسیدگی برای منفعت عمومی جامعه ضرورت دارد که با رسیدگی از طریق روش‌های غیرقضایی این امکان از بین می‌رود. (درویشی هویدا، ۱۳۹۳: ۳۲۴)

۲. پرداخت هزینه‌های اضافی

روش‌هایی مانند داوری ممکن است هزینه‌های زیادی حتی بیشتر از رسیدگی‌های قضایی در برداشته باشند چرا که اگر برای داوری از لحاظ قانون لازم الاجرا باشد، این امر مانع از پیگیری مسئله از دادگاه می‌شود اما در جایی که طرف مقابل از اجرای رأی امتناع می‌کند برای اجبار او باید به دادگاه متوسل شد که این کار می‌تواند هزینه‌های جداگانه‌ای در پی داشته باشد و شخص

مجبور شود علاوه بر پرداخت هزینه‌ی داوری هزینه‌های بعدی را نیز بپردازد.

۳. نبود قوانین لازم و مراکز فعال

نبود قوانین لازم و متناسب در رابطه با روش‌های جایگزین و فقدان مراکز معتبر و فعال در این رابطه نیز می‌تواند از عیوب دیگر این روش‌ها باشد. وجود این مراکز و تشویق مردم به استفاده از روش‌های جایگزین توسط آنها می‌تواند فرهنگ مراجعه به این روش‌ها را در مردم نهادینه کند و با تحول در افکار عمومی غالب که حل اختلاف از راه قضایی را بهترین و آسان‌ترین راه احقاق حق می‌دانند، به توسعه این روش‌ها کمک کنند. (درویشی هویدا، ۱۳۸۴: ۳۹)

نتیجه‌گیری

با توجه به پیچیدگی پروژه‌های عمرانی، اختلافات در این حوزه به جزئی غیرقابل اجتناب تبدیل شده است. لذا به منظور کاهش و یا اجتناب از اختلافات می‌بایست ساز و کار مناسبی برای مدیریت دعاوی در تمامی چرخه عمر پروژه در نظر گرفته شود. امروزه برخی از عوامل بروز اختلافات در پروژه‌های عمرانی مشخص بوده و لازم است برای رفع ابهامات و کاهش اختلافات مطالعات بیشتری در زمینه‌های حقوقی و انعقاد قراردادهای پیمانکاری به‌صورت کامل‌تر از قالبی که امروزه مورد استفاده کارفرمایان پروژه‌های عمرانی می‌باشد صورت پذیرد. آنچه که در شرایط عمومی پیمان تحت بند ج ماده ۵۳ ذکر شده عملاً با توجه به دلایل مطروحه کارایی خود را از دست داده و نمی‌تواند به مانند ابزاری موثر در حل و فصل اختلافات عمل نماید. روشی که فیدیک برای بکارگیری ساز و کار حل اختلاف در نظر گرفته، می‌تواند برای کاهش اختلافات موثر واقع گردد و ایجاد هیات‌های حل اختلاف (DAB) در پروژه‌ها عمرانی ایران کاملاً می‌تواند عملیاتی شده و موجبات کاهش اختلافات را فراهم نماید. هر چند درخصوص ایجاد مرکز تخصصی داوری در زمینه قراردادهای پیمانکاری باید مطالعات بیشتری انجام و بسترهای لازم از منظر قوانین فراهم شود.

منابع فارسی

کتاب

- اسماعیلی هریسی، ابراهیم (۱۳۸۹)، **مبانی حقوق پیمان**، تهران، انتشارات جاودانه
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۴)، **ترمینولوژی حقوق**، تهران، چاپ احمدی
-، **مبسوط ترمینولوژی حقوقی**، چاپ شانزدهم، تهران، انتشارات گنج دانش، بی تا
- خزاعی، حسین (۱۳۸۸)، **قابل داوری بودن موضوع اختلاف در حقوق داخلی و تجارت بین-المللی**، تاملاتی در حقوق تطبیقی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- خلیلیان سیدخلیل (۱۳۸۲)، **دعاوی حقوقی ایران و آمریکا در دیوان لاهه**، تهران، انتشارات سهامی انتشار
- شمس، عبا... (۱۳۹۷)، **آیین دادرسی مدنی پیشرفته**، جلد سوم، چاپ سی و یکم، تهران، نشر دراک

- شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۶)، **داوری تجاری بین‌المللی**، تهران، انتشارات سمت
- عباس کریمی، حمیدرضا پرتو (۱۳۹۲)، **حقوق داوری داخلی**، چاپ دوم، نشر دادگستر، تهران
- فرهاد جم، آرمان سیف الهی (۱۳۸۱)، **روش‌های غیرقضایی حل و فصل اختلافات اداری**، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ اول

مقالات

- اسکندری، امیر محمد، (۱۳۸۴)، **بررسی نقش تکمیلی روش‌های حل اختلاف جایگزین (ADR) در حل و فصل دعاوی مربوط به ضمان قهری و خسارت**، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، دوره جدید، شماره ۲۲
- درویشی هویدا، یوسف (۱۳۹۲)، **اصل محرمانه بودن در شیوه‌های جایگزین حل اختلاف**، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۲
- عباس گرگی، مهدی حسین آبادی (۱۳۹۵)، **نظام‌های حل اختلاف سازوکاری مناسب جهت انعطاف پذیری فرایند حل اختلافات کار**، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه

- محمد عیسی تفرشی، سید محمد اسدی‌نژاد (۱۳۸۷)، **ویژگی‌های مقررات داوری سازمان جهانی مالکیت فکری و مقایسه آن با داوری تجاری بین‌المللی**، فصلنامه حقوق، دوره ۳۸، شماره ۱
- زرکلام، ستار (۱۳۸۳)، **تفکیک بین نهادهای شبه داوری از داوری**، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس

English References

Books

- Alan Redfern, Martin Hunter, (2003), **law and practice of international commercial arbitration**, London, sweet & maxwell
- Arrosson, Charles, (1991), **toute conciliation qui se realize en lab sence d un juge ou en dehors dun instance pendant de vant un juge**, Paris.
- Bowe, Guy. (2014), **Skills and Values: Alternative Dispute Resolution: Negotiation, Mediation, Collaborative Law, and Arbitration**. Arbitration Law Review 6.1
- Casey, D. (2005), **Financial Management and Accounting for the Construction Industry**. 17th ed. New Providence: LexisNexis
- Dragos, Dacian, Neamtu, bogdana (2014), **Alternative Dispute Resolution in European Adminstrative Law**, Germany, Springer
- Fidic, (Red book) , (2006), **Condition of Contract for Construction**
- Hughes, W, Champion, R. Murdoch, J, (2015), **Construction contracts: law and management** (Rout-ledge)
- Merills, J.G, (2005), **internation aldispute settlement**, Cambridge, university, press, 4ed
- Ronald Bernstein and others (1998) , **general principles** , handbook of arbitration practice , Ronald Bernstein and other (editor), London, Sweet & Maxwell
- Reuben, R, (1997), **public justice: toward a state action theory of alternative dispute resolution** , California law review, Vol85, No 30
- Tweeddale, Andrew, Tweeddale, Keren, (2005), **arbitration of commercial disputes: international and engush law and practice**, New York, oxford university press inc

Articles

- Alshahrani, Saad (2017), **Dispute resolution methods in the construction industry sector in the Kingdom of Saudi Arabia** MATEC Web of Conferences
- Chia Kuang Lee, Tak Wing Yiu, Sai On Cheung, (2016), **Selection and use of Alternative Dispute Resolution (ADR) in construction projects - Past and future research**, International Journal of Project Management, Volume 34, Issue 3
- (2012), **Anatomy of construction disputes**, Journal of Construction Engineering and Management, Vol. 139, No. 1
- Hadikusumo, Bonaventura HW, and Sonam Tobgay, (2015), **Construction claim types and causes for a large-scale hydropower project in Bhutan**, Journal of Construction in Developing Countries, Vol. 20, No. 1
- Herbert M. Kritzer, (2002), **Legal systems of the word: a political , social and cultural encyclopedia** , vol. 1 , ABC-CLIO, ins
- Illankoon, I. M.C.S., et al., (2019), **Causes of disputes, factors affecting dispute resolution and effective alternative dispute resolution for Sri Lankan construction industry**, International Journal of Construction Management
- Jannadia, M. Osama, et al., (2000), **Contractual methods for dispute avoidan**

ce and resolution (DAR), International Journal of Project Management, Vol. 18, No. 1

- Loukas A. (2001), **Mistelis, “ADR in England and Wales”** the American review of international arbitration, vol 12

- Mahamid, Ibrahim, (2016), **Micro and macro level of dispute causes in residential building projects: Studies of Saudi Arabia**, Journal of King Saud University-Engineering Sciences, Vol. 28, No.1

- Semple, Cheryl, Francis T. Hartman, and George Jergeas., (1994), **Construction claims and disputes: causes and cost/time overruns**, Journal of construction engineering and management, Vol. 120, No. 4

- Shavell, s. (1995), **Alternative dispute resolution**, an economic analysis the journal of legal studies, vol 24, No 1

- Semple, Cheryl, Francis T. Hartman, and George Jergeas. (1994), **Construction claims and disputes**, causes and cost/time overruns, Journal of construction engineering and management, Vol. 120, No. 4

- Treacy, Thomas B., (1995), **Use of alternative dispute resolution in the construction industry**, Journal of Management in Engineering, Vol. 11, No. 1

Site

- Callum M., (2013), **Arbitrate, adjudicate or mediate?** Retrieved: Available: <https://www.constructionnews.co.uk>

- DRBF Practices and Procedures Appendix 2A (2007), **Guide Specification**, Available: <http://www.drb.org/manual access.htm>

